

بررسی و توصیف فعل در گونه‌های گویشی شهرستان بستک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

آمنه راستگو*

چکیده

هدف این تحقیق، توصیف ویژگی‌های دستوری و صرفی افعال در گویش شهر و روستاهای منطقه بستک با محوریت بستک، جناح، دهتل، دهنک، رودبار، فاریاب، کمشک، کوخرد، کوهیچ و هرنگ است. برای تحقق این هدف، فهرستی از گروه‌های مختلف فعلی در اختیار گویشوران شهرها و روستاهای شهرستان بستک قرار گرفت تا با گویش خود، آن را تلفظ کنند. برای اینکه نمونه‌های بیان شده با دقت بیشتری بررسی شود، نمونه‌ها ضبط و ذخیره شد. سپس نمونه‌های ضبط شده بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان نشان داده شد. نتیجه این تحقیق نشان داد که رواج برخی ساخت‌های کهن فعلی، ویژگی ارگاتیو، نقش برجسته و تمایزی تکیه در صرف افعال، استفاده از بن گذشته در ساخت حال مستمر و استعمال وندهای کهن فارسی، از ویژگی گویش‌های شهرستان بستک است. همچنین مقایسه گونه‌های گویشی این شهرستان نشان داد که ویژگی‌های دستوری و صرف افعال در این گونه‌ها تفاوت چندانی ندارد و بیشترین تفاوت در آواها، شناسه‌ها و وندهای فعلی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گویش، بستکی، فعل، بررسی مقایسه‌ای، زبان رسمی.

۱- مقدمه

زبان‌های بومی و گویش‌های محلی، بیانگر هویت و فرهنگ جوامعی است که از گذشته‌های دور به‌جامانده‌اند. ایران با داشتن گویش‌ها و لهجه‌های متفاوت - که هر کدام ارزش فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای دارد - منبعی بسیار غنی برای پژوهش‌های ادبی، زبانی، جامعه‌شناسی و تاریخی است؛ بنابراین، گردآوری و ثبت این شکل‌های متنوع زبانی، گامی است در راه حفظ و نگهداری آنها. همچنین با توجه به اینکه زبان و گویش، پدیده‌ای زنده و پویا و دائماً در معرض تحول و دگرگونی است، پرداختن به تفاوت‌ها و شباهت‌های این گونه‌ها - که عامل انتقال فرهنگ و تمدن نیاکان ما به شمار می‌رود - امری مهم و ضروری است. «مطالعه و تحقیق در زبان‌های محلی، یکی از ضروریات شناسایی دقیق زبان پارسی است و این امر در وهله اول، بر عهده گویشوران آن است.» (وثوقی، ۱۳۶۹: ۹۸).

شهرستان بستک در استان هرمزگان واقع شده‌است که از شمال به لارستان، از جنوب به بندرلنگه و پارسیان، از غرب به شهرستان لامرد و از شرق به شهرستان بندرعباس محدود می‌شود. این شهرستان به دلیل وسعت جغرافیایی زیاد، روستاها و شهرهای پراکنده و ساکنان آن، گویش‌های کم و بیش متفاوتی دارد؛ به گونه‌ای که نحوه سخن گفتن آنها نشان می‌دهد که گویش‌ور کدام منطقه هستند.

گویش بستکی (گویش شهر بستک)، جناحی (جمسی)، دهنکی، گوده‌ای، فاریابی، فرامرزی، کوهیجی، کوخردی، هرنکی و غیره، از خانواده زبان لارستانی است و همانند دیگر گویش‌های این زبان به شاخه زبان‌های ایرانی جنوبی‌غربی تعلق دارد؛ با این حال، اگر گویش‌های منطقه بستک به صورت کلی تقسیم‌بندی شود، باید گویش شهر بستک، روستاها و شهرهای اطراف آن را در یک دسته قرار داد؛ زیرا مردم این نواحی به راحتی زبان همدیگر را می‌فهمند و با هم گفت‌وگو می‌کنند.

این گویش‌ها با زبان پارسی میانه اشتراکات فراوانی دارد؛ صرف افعال، واژه‌ها و برخی ویژگی‌های آوایی از وجوه اشتراک این گویش‌ها با فارسی میانه است.

«بستکی - که در شهر بستک واقع در استان هرمزگان به کار می‌رود - یکی از گویش‌های جنوبی ایران است. این گویش شباهت بسیاری با گویش «لاری» و سایر گویش‌های منطقه لارستان دارد.» (کلباسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

۱-۱- روش تحقیق

این پژوهش به روش داده‌کاوی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی صورت گرفت. در روش کتابخانه‌ای برای به دست آوردن اطلاعات موردنیاز بر مبنای مبانی نظری تحقیق، به کتابخانه‌ها و سازمان‌های مربوط مراجعه شد و با تکیه بر مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط، به گردآوری مباحث نظری پرداخته شد. سپس تئوری‌های مربوط به پژوهش‌های گویشی و لهجه‌ای توصیف شد.

در حوزه تحقیق می‌دانی، از روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد؛ به این منظور، فهرستی از افعال تهیه و در اختیار گویشوران قرار گرفت تا آن را با لهجه و گویش خود تلفظ کنند. سپس نمونه‌های ثبت و ضبط شده، آوانویسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی شد. درنهایت، این نمونه‌ها با زبان رسمی و فارسی معیار مطابقت داده شد. به دلیل اینکه این گویش فاقد خط نوشتاری است، مثال‌های گویشی استفاده شده در این پژوهش با نهایت دقت و با در نظر گرفتن تغییرات آوایی، واج نویسی شد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در مورد گویش بستکی تحقیقات چندی انجام شده‌است، ولی منبع چندانی وجود ندارد که در آن از روش بررسی مقایسه‌ای استفاده شده باشد. بررسی‌های انجام‌شده در مورد گویش بستکی به شرح زیر است:

قدیمی‌ترین اثر تخصصی، کتاب «فرهنگ بستکی» تألیف حاج علی اکبر بستکی است که در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. نامبرده سه سال پس از آن، «بیات محلی جهانگیریه» را منتشر کرد که حاوی اشعار و تصنیف‌های بستکی به همراه توضیح لغات آن به زبان فارسی است. در این دو اثر، آوانگاری صورت نگرفته و برای خواننده غیر هم زبان، امکان دستیابی به تلفظ صحیح برخی واج‌گونه‌های گویش ناممکن است.

کتاب «فرهنگ فرامرزان» تألیف حسن فرامرزی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. در این کتاب، واژه‌ها و اصطلاحات منطقه فرامرزان - یکی از مناطق شهرستان بستک - جمع‌آوری، ثبت و آوانویسی شد. این اثر به عنوان نخستین اثر آوانویسی‌شده مربوط به شهرستان بستک، بسیار ارزشمند و قابل توجه است.

کتاب «مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات در گویش گوده‌ای» از محمد محمودی نیز کتاب ارزشمند دیگری است. محمودی مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات گویش گوده‌ای - یکی از مناطق بستک - را در این کتاب ثبت و آوانویسی کرده‌است.

بالود در کتاب «فرهنگ عامه در منطقه بستک»، بخش مختصری را به معرفی لهجه و گویش و عمدتاً صرف فعل اختصاص داده‌است. وی در مورد گویش بستکی چنین می‌گوید: «گویش بستکی دارای لهجه‌های متعددی است، اما در تکلم، همه زبان یکدیگر را می‌فهمند. مهم‌ترین لهجه‌های گویش بستکی عبارتند از: بستکی، فرامرزی، گوده‌ای، جناحی» (بالود، ۱۳۸۴: ۱۸).

عبدالله واحدی در کتاب «ساخت‌واژه (صرف) گویش فرامرزی شهر هنگویه»، ویژگی‌های صرفی گویش شهر هنگویه - یکی از شهرهای شهرستان بستک در منطقه فرامرزان - را بررسی کرده‌است.

بخش پایانی کتاب محمدصالح ارزن‌کار با عنوان «آواشناسی و دستور زبان گویش لمزانی»، به مقایسه گویش لمزانی با دو گویش همجوارش یعنی بستکی و خمیری

پرداخته‌است و اطلاعاتی را در زمینه گویش بستکی ارائه می‌دهد. بنی‌هاشمی در بخشی از کتاب خود با عنوان «ادبیات شفاهی بستک»، به طور مختصر به واج، واژه، صرف فعل لازم و متعدی و ساختار نحوی جمله اشاره کرده‌است.

«بررسی گویش، اشعار و داستان‌های شفاهی بستک»، عنوان پایان‌نامه‌ای است از ناصر محبی که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علامه طباطبایی تهران دفاع شد. محبی این پایان‌نامه را در سه فصل تنظیم و در فصل نخست به طور مفصل، نکات دستوری و افعال را در گویش بستکی توصیف و بررسی کرد.

«پژوهشی در دستور زبان گویش بستکی» از سامیه نیرومند، عنوان پایان‌نامه‌ای است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه هرمزگان دفاع شد. نیرومند در فصل پنجم پایان‌نامه خود، انواع فعل را به طور کامل بررسی و صرف کرد.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش محبی و نیرومند در این است که آنها دستور زبان و قسمتی از ویژگی‌های آوایی یک نقطه از شهرستان را به صورت غیر مقایسه‌ای بررسی کرده‌اند؛ به همین دلیل، به جمع‌آوری صورت‌های مختلف گویشی منطقه پرداخته و تنها گویش یک نقطه از شهرستان را محور کار خود قرار داده‌اند. اما پژوهش حاضر، شهر یا روستای خاصی از منطقه بستک را محور تحقیق قرار نداده، بلکه انواع گونه‌های گویشی شهرستان را جمع‌آوری و بررسی کرده‌است.

«بررسی نظام آوایی گویش بستکی»، عنوان مقاله‌ای است که مهدی احمدنیا در همایش بین‌المللی زبان‌شناسی و مردم‌شناسی لارستان در سال ۱۳۸۷ ارائه کرد. نام‌برده، همخوان‌ها و واکه‌های گویش بستکی و ساختمان هجا را با دقت و با مثال‌های متعدد توصیف کرده‌است.

در مورد زبان لارستانی که گویش‌های بستکی زیرمجموعه‌ای از آن است، محققان برجسته‌ای همچون اقتداری در «فرهنگ کهن لارستانی» و وثوقی در کتاب «لار، شهری به رنگ خاک» پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام داده‌اند. همچنین خنجی در کتاب «نگرشی تفضیلی بر زبان لارستانی و گویش خنجی»، مباحث دستوری و صرف فعل را به صورت تخصصی و علمی ارائه کرده‌است.

سلامی (۱۳۸۳) در دفتر پنجم از «گنجینه گویش‌شناسی فارس»، به بررسی گویش‌های لارستانی پرداخته‌است.

دبیرمقدم در کتاب «رده‌شناسی زبان‌های ایران»، با رویکرد زبان‌شناسی زایشی به بررسی و مطابقت دوازده زبان ایرانی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته‌است. فصل پنجم این کتاب به زبان لارستانی به عنوان یکی از زبان‌های ایرانی - جنوبی - غربی اختصاص دارد. دبیرمقدم گویش‌های لاری، گراشی، خنجی، اوزی، بستکی و بیخه‌ای را به عنوان خانواده گویش‌های لارستانی معرفی می‌کند. وی معتقد است «به دلیل شباهت فوق‌العاده زیاد

بین ویژگی‌های رده‌شناسی زبان لارستانی و زبان فارسی در مؤلفه ترتیب واژه‌ها، احتمال همگرایی بین این زبان به عنوان لایه زیرین فارسی، دور از انتظار نخواهد بود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴۰۱).

مقاله حاضر به بررسی فعل و مقایسه صرف آن در گویش‌های شهرستان بستک می‌پردازد. این پژوهش، نخستین پژوهشی است که صرف افعال را در گونه‌های گویشی شهرستان بستک - که بسیاری از خصوصیات کهن را تا به این زمان در خود حفظ کرده‌است - با یکدیگر مقایسه می‌کند و اولین گام در معرفی و نشان دادن ساخت و صرف فعل در این گویش است.

۲- فعل در گویش‌های شهرستان بستک

فعل به عنوان مهم‌ترین جزء تشکیل‌دهنده ساختار نحوی و معنایی جمله، همواره از سوی دستورنویسان و زبان‌شناسان قابل توجه بوده‌است. دستورنویسان گذشته، تعاریف متعددی را از فعل ارائه و جنبه معنایی آن را مدنظر قرار داده‌اند؛ از جمله این افراد خانلری است که در دستور زبان فارسی چنین می‌نویسد: «فعل آن کلمه‌ای است که دلالت می‌کند بر کردن کاری یا روی دادن امری یا داشتن حالتی در زمان گذشته یا اکنون یا آینده.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۱۷). اما دستورنویسان و زبان‌شناسان امروزی، فعل را با توجه به نشانه‌ها و اجزای سازنده آن همچون پیشوند و پسوند و بن فعل بررسی می‌کنند: «کلمه فعل حداقل از دو واژک و حداکثر از پنج واژک ساخته شده‌است؛ به عبارت دیگر، کلمه فعل پنج عنصر ساختمانی دارد که دو تای آن اجباری و سه تای دیگر اختیاری است.» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۱۴). در گویش‌های شهرستان بستک، فعل به خصوص در ساخت‌های متعدی به گونه‌ای کهن و متفاوت از فارسی به کار می‌رود و پیشوندها و پسوندهای خاصی دارد که با زبان فارسی متفاوت است. به دلیل اهمیت فعل در گویش‌های بستکی و برای شناختن آن، همراه با مطابقت و مقایسه این گویش با فارسی معیار به توصیف ویژگی‌های فعلی آن در محورهای زیر می‌پردازیم: بن فعل، شناسه فعل‌های لازم، شناسه فعل‌های متعدی، روش ساخت افعال در گروه‌های مختلف فعلی، پیشوند فعل‌های لازم و متعدی، مصدر، فعل مجهول، فعل امر و فعل نهی.

۲-۱- بن فعل در گویش‌های شهرستان بستک

بن یا ریشه فعل، معنی اصلی فعل را می‌رساند و نقش مرکزی صیغه فعل را برعهده دارد. در فارسی هر فعلی دارای دو بن ماضی و مضارع است؛ ماده مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند و ماده ماضی بر زمان گذشته. افعال در گویش‌های شهرستان بستک نیز دو بن ماضی و مضارع دارد، اما کاربرد آن با زبان فارسی متفاوت است:

۲-۱-۱- بن ماضی (حال)

بن ماضی در گویش‌های بستک همانند زبان فارسی، با حذف نشانه مصدر (واکه) ساخته می‌شود و نسبت به زبان فارسی با تغییراتی در آواها همراه است:

جدول ۱: ساخت بن ماضی

بن ماضی	مصدر
kašt	Kašto (انداختن)
sot	Soto (سوختن)

بن ماضی فعل‌های لازم که به نشانه گذشته ختم می‌شود، در زمان گذشته ساده با حذف نشانه گذشته و تغییر در واکه‌ها کوتاه می‌شود:

جدول ۲: ساخت بن ماضی

Om-či	či	čed
Om-nä	nä	nad
Om-kö	kö	kord

افعال لازم در زمان گذشته ساده نیز در صیغه سوم شخص مفرد، با حذف نشانه گذشته مذکور و تغییر حرکت واکه همراه است:

ami	and
rasi	rased

۲-۱-۲- بن مضارع

بن مضارع در زبان فارسی با حذف «بِ» امری ساخته می‌شود. در گویش‌های بستک نیز بن مضارع با حذف پیشوند امری یا حذف نشانه گذشته ساخته می‌شود و با تغییرات آوایی گوناگونی همراه است:

جدول ۳: ساخت بن مضارع

بن حال	فعل امر	فعل
ras	Be-ras	رسید
xel	Be-xel	خرید
bol	Be-bol	برید
ken	bekeŋ	کند
Xâ	bexâ	گزیدن
dos	odos	دوشیدن

۲-۲- شناسه فعل

«مفهوم شخص و نیز مفهوم افراد و جمع را اجزائی مشخص می‌کند که آنها را شناسه می‌نامند.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۲-۲-۱- شناسه‌های فعل‌های لازم

«فعل‌هایی مانند آمدن که دارای معنی تمام باشند، «لازم» خوانده می‌شوند.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۷۹). شناسه‌های افعال لازم در گویش‌های شهرستان بستک همانند فارسی معیار، پسین هستند و بعد از بن فعل می‌آیند.

الف) گذشته ساده و استمراری

گذشته ساده افعال لازم در گویش بستکی از بن گذشته + شناسه ساخته می‌شود و گذشته استمراری افعال لازم از پیشوند استمرار + بن گذشته + شناسه به دست می‌آید.

جدول ۴: شناسه افعال لازم

جمع			مفرد			شمار و شخص گویش
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
-en	-i	om	-ø	-eš	-em	بستکی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	جناچی
-en	-i	-am	-ø	-eš	-em	دهتل
-en	-ey	-am	-ø	-eš	-em	دهنگ
-en	-i	-am	-ø	-eš	-em	رودباری
-en	-i	-em	-ø	-eš	-om	فاریابی
-eŋ	-i	-am	-ø	-eš	-om	کمشی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	کوخردی
-en	-i	-em	-ø	-eš	-om	کوهیچی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	هرنگی

جدول ۵: صرف فعل ماضی ساده از مصدر «آمدن»

بستگی	and-em	آمدم	and-eš	آمدی	ami	آمد
	And-om	آمدیم	And-i	آمدید	And-en	آمدند
جناحی	æmd-em	آمدم	æmd-eš	آمدی	æmod	آمد
	æmd-om	آمدیم	æmd-i	آمدید	æmd-en	آمدند
دهتلی	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-i	آمدید	Hond-en	آمدند
دهنگی	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-ey	آمدید	Hond-en	آمدند
رودباری	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-i	آمدید	Hond-en	آمدند
فاریابی	and-om	آمدم	and-eš	آمدی	amon	آمد
	and-em	آمدیم	and-i	آمدید	and-en	آمدند
کمشکی	And-om	آمدم	And-eš	آمدی	amon	آمد
	And-am	آمدیم	And-i	آمدید	And-en	آمدند
کوخردی	Ond-em	آمدم	Ond-eš	آمدی	ond	آمد
	Ond-om	آمدیم	Ond-i	آمدید	Ond-en	آمدند
کوهیچی	And-om	آمدم	And-eš	آمدی	amon	آمد
	And-em	آمدیم	And-i	آمدید	And-en	آمدند
هرنگی	Ond-em	آمدم	Ond-eš	آمدی	amon	آمد
	Ond-om	آمدیم	Ond-i	آمدید	Ond-en	آمدند

ب) ماضی نقلی

در زبان فارسی، گذشته نقلی از صفت مفعولی و فعل‌های کمکی (ام، ای، است، ایم، اید و اند) ساخته می‌شود (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۴۹). در گویش‌های شهرستان بستک، ماضی نقلی به شکل فارسی قدیم از صفت مفعولی و فعل کمکی «است» ساخته می‌شود

جدول ۶: شناسه فعل ماضی نقلی

جمع			مفرد			شمار و شخص گویی
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
-en	-i	-om	-ø	-e	-em	بستگی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	جناحی
-en	-i	-am	-ø	-eš	-em	دهتلی
-en	-ey	-am	-ø	-eš	-em	دهنگی
-en	-i	-am	-ø	-eš	-em	رودباری
-en	-i	-em	ø	-eš	-om	فاریایی
-eŋ	-i	-am	-ø	-eš	-om	کمشکی
-en	-i	-omi	-ø	-eš	-em	کوخردی
-en	-i	-em	-ø	-eš	-om	کوهیچی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	هرنگی

جدول ۷: صرف فعل ماضی نقلی از مصدر «آمدن»

آمده‌است	ando	آمده‌ای	andoss-eš	آمده‌ام	andoss-em	بستگی
	An-doss-en	آمده‌اید	Andoss-i	آمده‌ایم	Andoss-om	
آمده‌است	æmod	آمده‌ای	Æmdoss-eš	آمده‌ام	æmdoss-em	جناحی
	æmdess-en	آمده‌اید	æmdess-i	آمده‌ایم	æmdess-om	
آمده‌است	honde	آمده‌ای	hons-eš	آمده‌ام	hons-em	دهتلی
	hons-en	آمده‌اید	hons-i	آمده‌ایم	hons-am	
آمده‌است	honde	آمده‌ای	hons-eš	آمده‌ام	hons-em	دهنگی
	hons-en	آمده‌اید	hons-ey	آمده‌ایم	hons-am	
آمده‌است	honde	آمده‌ای	hons-eš	آمده‌ام	hons-em	رودباری
	hons-en	آمده‌اید	hons-i	آمده‌ایم	hons-am	

فار یابی	ans-om	آمده‌ام	ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-em	آمده‌ایم	ans-i	آمده‌اید	ans-en	آمده‌اند
کمشکی	Ans-om	آمده‌ام	ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-am	آمده‌ایم	ans-i	آمده‌اید	ans-enj	آمده‌اند
کو خردی	Ondes-em	آمده‌ام	ondes-eš	آمده‌ای	onde	آمده‌است
	Ondes-omi	آمده‌ایم	ondes-i	آمده‌اید	ondes-en	آمده‌اند
کوهیچی	Ans-om	آمده‌ام	Ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-em	آمده‌ایم	Ans-i	آمده‌اید	Ans-en	آمده‌اند
هرنگی	Ondos-em	آمده‌ام	Ondos-eš	آمده‌ای	ondo	آمده‌است
	Ondos-om	آمده‌ایم	Ondos-i	آمده‌اید	Ondos-en	آمده‌اند

ج) گذشتهٔ بعید

گذشتهٔ بعید، فعلی است که در زمان دور اتفاق افتاده باشد. در زبان فارسی، گذشتهٔ بعید از ساخت صفت مفعولی و ماضی سادهٔ «بودن» ساخته می‌شود (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۵۳). در گویش‌های شهرستان بستک نیز فعل ماضی بعید به دو شکل ساخته می‌شود:

- از ترکیب صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی (بودن) + فعل کمکی «است» + شناسه.

- صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی «است» + فعل کمکی «den» (d) در معنای بودن + شناسه.

«فعل کمکی «den» فاقد مصدر است و در گویش‌های بستک به همین شکل و با همین کاربرد، یکی از افعال کمکی محسوب شده‌است.» (نیرومند، ۱۳۹۰: ۹۰).

جدول ۸: شناسه فعل ماضی بعید نقلی (لازم)

جمع			مفرد			شمار و شخص
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گوش
en-	-i	om-	ø-	eš-	em-	بستکی
-en	-i	-om	-ø	-eš	-em	جناحی
-en	-i	-am	ø-	eš-	em-	دهتلی
-en	-ey	-am	ø	-eš	-em	دهنگی
-en	-i	-am	ø	-eš	-em	رودباری
en	-i	-em	ø	-eš	om	فاریابی
-eŋ	-i	-am	-ø	-eš	-om	کمشکی
-en	-i	-om	ø	-eš	em-	کوخردی
-en	-i	-em	-ø	-eš	-om	کوهیچی
-en	-i	-om	ø	-eš	-em	هرنگی

جدول ۹: صرف فعل ماضی بعید نقلی

آمده بود	Ando bodo	آمده بودی	Ando boss-eš	آمده بودم	Ando boss-em	بستکی
آمده بودند	Ando boss-en	آمده بودید	Ando boss-i	آمده بودیم	Ando boss-om	
آمده بود	Æmda-bodæ	آمده بودی	æmda bedoss-eš	آمده بودم	æMda bedoss-em	جناحی
آمده بودند	æmdabedoss-en	آمده بودید	mda bedoss-iæ	آمده بودیم	æmda bedossom	
آمده بود	honed bode	آمده بودی	honed boss-eš	آمده بودم	honde boss-em	دهتلی
آمده بودند	honde boss-en	آمده بودید	honde boss-i	آمده بودیم	Honde boss-am	

دهنگی	hondess-on	آمده بودی	hondes-son-eš	آمده بودم	hondes-son-em
	hondesson-en	آمده بودید	hondes-son-ey	آمده بودیم	Hondes-son-am
رودباری	hons	آمده بودی	honson d-em	آمده بودم	honson d-em
	Honson d-en	آمده بودید	Honson d-i	آمده بودیم	Honson d-am
فاریابی	anson	آمده بودی	anson d-eš	آمده بودم	Anson d-om
	Anson d-en	آمده بودید	Anson d-i	آمده بودیم	Anson d-em
کمشکی	ande bode	آمده بودی	ande bos-eš	آمده بودم	ande bos-om
	ande bos-en	آمده بودید	ande-bos-š	آمده بودیم	Ande bos-am
کوخردی	Ondeson	آمده بودی	Ondeson d-eš	آمده بودم	Onde son d-em
	Ondeson d-en	آمده بودید	Ondeson d-i	آمده بودیم	Ondeson d-om
کوهیچی	Ande bode	آمده بودی	Ande bos-eš	آمده بودم	Ande bos-om
	Ande boss-en	آمده بودید	Ande bos-i	آمده بودیم	Ande bos-em
هرنگی	Ondoson	آمده بودی	Ondoson d-eš	آمده بودم	Ondoson d-em
	Ondoson d-en	آمده بودید	Ondoson d-i	آمده بودیم	Ondoson d-om

د) گذشته التزامی با صرف فعل بودن:

«در زبان فارسی، مضارع التزامی از صفت مفعولی و مضارع ساده «باشیدن» ساخته می‌شود.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۵۵). در گویش‌های شهرستان بستک، از ترکیب ماده نقلی + مضارع التزامی فعل «boda» یعنی «bit» (به معنای باشد) + شناسه ساخته می‌شود. «دو صورت «بُوم ... بُونَد» برای مضارع وجه اخباری و التزامی هر دو به کار می‌رود. اما هر یک از این دو صورت هرگاه با صفت مفعولی فعلی دیگر ترکیب شود؛ یعنی معین فعل قرار گیرد، بر زمان ماضی از وجه التزامی دلالت می‌کند.» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

جدول ۱۰: شناسه فعل ماضی التزامی (لازم)

جمع			مفرد			شمار و شخص
۳	۲	۱	۳	۲	۱	گویش
-en	-i	-om	-it	-eš	-em	بستک
-en	-i	-om	-id	-eš	-em	جناح
-en	-i	-am	-ù	-eš	-em	دهتل
-en	ey	-am	-i	-eš	-em	دهنگ
-en	-i	-am	-ù	-eš	-em	رودبار
-en	-i	-em	-i	-eš	-om	فاریاب
eŋ	-i	-am	-i	-eš	-om	کمشک
-en	-i	-om	-it	-eš	-em	کوخرد
-en	-i	-em	-i	-eš	-om	کوهیچ
-en	-i	-om	-it	eš	-em	هرنگ

جدول ۱۱: صرف فعل ماضی التزامی از مصدر «آمدن»

آمده باشد	ando b-i	آمده باشی	ando b-eš	آمده باشم	ando b-em	بستکی
آمده باشند	ando b-en	آمده باشید	ando b-ey	آمده باشیم	Ando b-om	
آمده باشد	æmda b- id	آمده باشی	æmda beš	آمده باشم	æmda b-em	جناحی
آمده باشند	æmda b-en	آمده باشید	æmda b-i	آمده باشیم	æmda b-om	
آمده باشد	honde b-ù	آمده باشی	honde b-eš	آمده باشم	honde b-em	دهتلی
آمده باشند	honde b-en	آمده باشید	honde b-i	آمده باشیم	Honde ba- yam	

دهنگی	honed b-em	آمده باشم	honed b –eš	آمده باشی	honed b-i	آمده باشد
	Honde b-am	آمده باشیم	honde b-ey	آمده باشید	honde b-en	آمده باشند
رودباری	honde b-em	آمده باشم	honde b –eš	آمده باشی	honde b –ù	آمده باشد
	Honed b-am	آمده باشیم	Honed b-i	آمده باشید	Honed b-en	آمده باشند
فاریابی	Ande b-om	آمده باشم	Ande-b-eš	آمده باشی	Ande b-i	آمده باشد
	Ande b-em	آمده باشیم	Ande b-i	آمده باشید	Ande b-en	آمده باشند
کمشکی	ande b-om	آمده باشم	ande b-eš	آمده باشی	ande b-i	آمده باشد
	Ande b-am	آمده باشیم	ande b-i	آمده باشید	ande b-en	آمده باشند
کوخردی	onde b-em	آمده باشم	onde b-eš	آمده باشی	onde b-it	آمده باشد
	Onde b –om	آمده باشیم	onde b-i	آمده باشید	onde b-en	آمده باشند
کوهیجی	Ande-b-om	آمده باشم	Ande-b-eš	آمده باشی	Ande-b-i	آمده باشد
	Ande-b-em	آمده باشیم	Ande-bi	آمده باشید	Ande-b-en	آمده باشند
هرنگی	Ondo b-em	آمده باشم	Ondo b-eš	آمده باشی	Ondo b-it	آمده باشد
	Ondo b-om	آمده باشیم	Ondo b-i	آمده باشید	Ondo b-en	آمده باشند

ه) مضارع اخباری و التزامی:

«مضارع اخباری و التزامی در فارسی معیار، هر دو از ماده مضارع فعل ساخته می‌شود. فرق مضارع اخباری و التزامی در فارسی امروز آن است که مضارع اخباری با حرف پیشین «می» و مضارع التزامی با حرف پیشین «ب» ترکیب می‌شود. اما در زبان فارسی چند قرن پیش، این دو صیغه با هم فرقی نداشته و مانند یکدیگر به کار می‌رفته‌اند.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

در گویش‌های شهرستان بستک، فعل مضارع اخباری از علامت استمرار + بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود و حال التزامی از پیشوند التزامی + بن مضارع + شناسه:

جدول ۱۲: شناسه فعل‌های لازم، زمان مضارع اخباری و مضارع التزامی

جمع			مفرد			شخص و شمار
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
-ân	ay	-yom	-ât	-ăš	-âm	گوش
an	ay-	aom	tâ	šă	-âm	بستکی
an	-ayi	Yam-	ɔ	-aš	-am	جناحی
-an	-yay	yam	ɔ	-aš	-am	دهتلی
-an	-ayi	-yam	-ɔ	-aš	-am	دهنگی
-an	-ayi	-yam	-ɔ	-aš	-am	رودباری
-yen	-yi	-yam	-ɔ	-yeš	-yem	فاریابی
aeŋ	-ayi	-yam	-â	-eš	-yom	کمشکی
nă	-ăy	-ămi	-ât	-ăš	-âm	کوخردی
-yen	-yi	-yem	â	-aš	-am	کوهیجی
-an	-ay	-yom	-ât	-aš	-am	هرنگی

جدول ۱۳: صرف فعل مضارع اخباری از مصدر «آمدن»

می‌آید	At-ât	می‌آیی	At-äš	می‌آیم	At-äm	بستکی
می‌آیند	at-än	می‌آیید	at-äy	می‌آییم	Ata-y-om	
می‌آید	at-ât	می‌آیی	at-aš	می‌آیم	at-am	جناحی
می‌آیند	at-an	می‌آیید	at-ay	می‌آییم	Ata-om	
می‌آید	At-a	می‌آیی	At-aš	می‌آیم	At-am	دهتلی
می‌آیند	At-an	می‌آیید	ata-yi	می‌آییم	Ata-y-am	
می‌آید	At-ə	می‌آیی	At-aš	می‌آیم	At-am	دهنگی
می‌آیند	at -an	می‌آیید	ata-yay	می‌آییم	Ata-y-am	
می‌آید	At-a	می‌آیی	at-aš	می‌آیم	at-am	رودباری
می‌آیند	at-an	می‌آیید	at-ayi	می‌آییم	Ata-yam	
می‌آید	At-a	می‌آیی	At-aš	می‌آیم	At-am	فاریابی
می‌آیند	At-an	می‌آیید	At-ay	می‌آییم	At ay-em	
می‌آید	at-a	می‌آیی	ata-y-eš	می‌آیم	ata-y-om	کمشکی
می‌آیند	ata-ey	می‌آیید	ata-yi	می‌آییم	ata-yam	
می‌آید	at-ät	می‌آیی	at-äš	می‌آیم	at-äm	کوخردی
می‌آیند	at-än	می‌آیید	at-äy	می‌آییم	At-ämi	
می‌آید	At-a	می‌آیی	At-aš	می‌آیم	At-am	کوهیچی
می‌آیند	At-an	می‌آیید	Ata-yi	می‌آییم	Ata-yem	
می‌آید	At-ât	می‌آیی	At-aš	می‌آیم	At-am	هرنگی
می‌آیند	At-an	می‌آیید	Ata-y	می‌آییم	Atay-om	

۲-۲-۲- شناسه فعل‌های متعدی:

فعل متعدی فعلی است که معنای آن فقط با نهاد کامل نمی‌شود و علاوه بر آن، به اجزای دیگری چون مفعول نیز نیاز دارد. شناسه‌های افعال متعدی در گویش‌های شهرستان بستک همانند فارسی میانه، ویژگی ارگاتیو^۱ دارد؛ یعنی اینکه «شناسه‌ای در آخر فعل قرار نمی‌گیرد و به جای آن، ضمیری به ابتدای فعل می‌چسبد که آن را ضمیر بدل از شناسه می‌نامیم.» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۷۷). این شناسه‌ها در زبان فارسی امروز وجود ندارند.

«ارگاتیو به معنی سبب‌شدن، به وقوع رساندن و خلق کردن است و حالتی است برای فاعل متعدی در زمان گذشته که به آن عامل گفته می‌شود.» (کلباسی، ۱۳۸۹: ۹).

الف) ماضی ساده، نقلی، بعید و التزامی

جدول ۱۴: شناسه افعال متعدی

جمع			مفرد			شمار و شخص
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
onš	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	گویش بستکی
		-monj	-oš	-ot	-om	جناحی
-šonj	-toy	-monj	-ša	-ta	-ma	دهتلی
-šo	-to	-mo	-oš	-ot	-om	دهنگی
-šo	-to	-mo	-oš	-ot	-om	رودباری
-šonj	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	فاریابی
-šoy	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	کمشکی
-šonj	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	کوخردی
-šonj	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	کوهیچی
-šonj	-tonj	-monj	-oš	-ot	-om	هرزنگی

جدول ۱۵: صرف فعل ماضی ساده (متعدی)

خورد	oš-xa	خوردی	ot-xa	خوردم	om-xa	بستکی
خوردند	šoŋ-xa	خوردید	Toŋ-xa	خوردیم	Moŋ-xa	
خوردی	oš-xa	خوردی	ot-xa	خوردم	Om-xa	جناحی
خوردند	Šoŋ-xa	خوردید	toŋ-xa	خوردیم	Moŋ-xa	
خورد	oŠ-xard	خوردی	ot-xard	خوردم	om-xard	دهتلی
خوردند	oŋ-xardŠ	خوردید	toŋ-xard	خوردیم	oŠ-xard	
خورد	Oš-xa	خوردی	Ot-xa	خوردم	Om-xa	دهنگی
خوردند	Šo-xa	خوردید	to-xa	خوردیم	mo-xa	
خورد	oš-xa	خوردی	ot-xa	خوردم	om-xa	رودباری
خوردند	šo-xa	خوردید	to-xa	خوردیم	Mo-xa	
خورد	oŠ-xa	خوردی	ot-xa	خوردم	om-xa	فاریابی
خوردند	-xaŋŠo	خوردید	toŋ-xa	خوردیم	Moŋ-xa	
خورد	oš-xa	خوردی	ot-xa	خوردم	Om-xa	کمشکی
خوردند	šoŋ-xa	خوردید	toŋ-xa	خوردیم	Moŋ-xa	
خورد	oš-a	خوردی	Ot- a	خوردم	om-	کوخردی
خوردند	šoŋ-a	خوردید	toŋ-a	خوردیم	Moŋ - a	
خورد	Oš-xa	خوردی	Ot-xa	خوردم	Om-xa	کوهیچی
خوردند	šoŋ-xa	خوردید	Toŋ0xa	خوردیم	Moŋ-xa	
خورد	Oš-xa	خوردی	Ot-xa	خوردم	Om-xa	هرنگی
خوردند	Oŋ-xaš	خوردید	Toŋ-xa	خوردیم	Moŋ-xa	

ب) گذشته استمراری:

در گویش‌های شهرستان بستک، گذشته استمراری افعال متعدی از شناسه‌های پیشین (ارگاتیو) متعدی + بن گذشته ساخته می‌شود:

جدول ۱۶: شناسه فعل ماضی استمراری (متعدی)

جمع			مفرد			شمار و شخص گویش
۳	۲	۱	۳	۲	۱	
-šonj	-tonj	-monj	aš-	-ta	-ma	بستکی
-šonj	-tonj	-monj	-ša	-ta	-ma	جناحی
-šonja	-tonja	-monja	-ša	-ta	-ma	دهتلی
-šonja	-tonja	-monja	-ša	-ta	-ma	دهنگی
oaš	-toa	-moa	-ša	-ta	-ma	رودباری
onjaš	-tonja	Monja	-ša	-ta	-ma	فاریابی
onjaš	-tonja	-monja	-ša	-ta	-ma	کمشکی
-šonja	-tonja	-monja	ša	-ta	-ma	کوخردی
-šonja	-tonja	-monja	-ša	-ta	-ma	کوهیچی
Onjaš	-tonja	-monja	-ša	-ta	-ma	هرنگی

جدول ۱۷: صرف فعل ماضی استمراری (متعدی) از مصدر «خوردن»

می خورد	a-xaš	می خوردی	Ta-xa	می خوردم	Ma-xa	بستکی
می خوردند	Oŋa-xaš	می خوردید	Toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	a-xaš	می خوردی	Ta-xa	می خوردم	Ma-xa	جناحی
می خوردند	oŋa-xaš	می خوردید	Toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	a-xardš	می خوردی	Ta-xard	می خوردم	Ma-xard	دهتلی
می خوردند	Oŋa-xardš	می خوردید	Toŋa-xard	می خوردیم	Moŋa-xard	
می خورد	a-xaš	می خوردی	ta-xa	می خوردم	ma-xa	دهنگی
می خوردند	šoŋa-xa	می خوردید	toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	ša-xard	می خوردی	ta-xard	می خوردم	ma-xard	رودباری
می خوردند	šoa-xard	می خوردید	toa-xard	می خوردیم	Moa-xard	
می خورد	a-xaš	می خوردی	ta-xa	می خوردم	ma-xa	فاریابی
می خوردند	oŋa-xaš	می خوردید	toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	a-xaš	می خوردی	ta-xa	می خوردم	ma-xa	کمشکی
می خوردند	šoŋa-xa	می خوردید	toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	ša-xva	می خوردی	ta-xva	می خوردم	ma-xva	کوخردی
می خوردند	šoŋa-xva	می خوردید	toŋa-xva	می خوردیم	Moŋa-xva	
می خورد	a-xaš	می خوردی	Ta-xa	می خوردم	Ma-xa	کوهیچی
می خوردند	Oŋa-xaš	می خوردید	Toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	
می خورد	a-xaš	می خوردی	Ta-xa	می خوردم	Ma-xa	هرنگی
می خوردند	Oŋa-xaš	می خوردید	Toŋa-xa	می خوردیم	Moŋa-xa	

۳-۲- پیشوندهای فعل‌های لازم و متعدی

۳-۲-۱- پیشوندهای فعل لازم

الف) ماضی استمراری و مضارع مستمر:

پیشوند گذشته استمراری در شهر و روستاهای بررسی‌شده (a) است، ولی پیشوند حال مستمر مختلف است؛ مثل a, kar, akar و ka.

جدول ۱۸: پیشوند فعل‌های لازم زمان‌های ماضی استمراری و مضارع مستمر

می‌آیدم	دارم می‌آیدم			
ا-تاند-آم	ا-تاند-ام	a	a	بستگی
kar-æmd-æm	a-tamd-em	kar	a	جناحی
akar-hond-am	a-hond-em	akar	a	دهتلی
a-hond-am	a-hond-em	a	a	دهنگی
akar-hond-am	a-hond-em	akar	a	رودباری
Kar-and-am	a-tand-om	kar	a	فاریابی
a-tand-om	a-tand-om	a	a	کمشکی
kar-ond-âm	a-tond-em	kar	a	کوخردی
Kar-and-am	a-tand-om	kar	a	کوهیچی
Kar-ond-om	a-tond-em	kar	a	هرنگی

ب) حال التزامی:

در زبان فارسی این فعل با جزء پیشین «ب» ساخته می‌شود، ولی در گویش‌های شهرستان بستک علاوه بر «ب» پیشوند امری و التزامی، براساس محیط آوایی پیشوندهای دیگری نیز وجود دارد؛ مثل a-o-ba-b-ho-be-ö-i-vâ.

جدول ۱۹: پیشوند فعل‌های لازم زمان مضارع التزامی

بیایم	بخوایم	بروم		
Bä-r-em	o-xat-em	Oy-č-em	بستگی	
b-ä-m	o-xat-em	a-š-om	جناحی	
b-a-m	ho-xat-em	o-č-em	دهتلی	
b-a-m	o-xat-em	o-č-em	دهنگی	
b-ä-m	ho-xat-em	be-röv-em/o-č-em	رودباری	
b-a-m	o-xat-om	o-č-om	فاریابی	
ba-y-om	ö-xat-em	o-č-om	کمشکی	
ba-h-am	o-xvat-em	i-č-em	کوخردی	
b-a-m	o-xat-om	o-š-om	کوهیچی	
b-a-m	o-xat-em	o-č-em	هرنگی	

۲-۳-۲- پیشوندهای فعل متعدی

الف) حال اخباری و آینده:

برای بیان مفهوم زمان آینده در گویش‌های شهرستان بستک، فعل کمکی وجود ندارد بلکه این مفهوم با همان صورت فعل مضارع بیان می‌شود. پیشوند این زمان نیز در همه گویش‌ها یکسان است.

جدول ۲۰: پیشوند فعل متعدی زمان‌های مضارع اخباری و آینده

می‌اندازم / خواهم انداخت	می‌اندازم / خواهم انداخت		
a-xor-em	a-kerd-em	-a	بستکی
a-xr-em	a-kerd-em	-a	جناحی
a-xor-em	a-kard-em	-a	دهتلی
a-xor-em	a-kerd-em	-a	دهنگی
a-xor-em	a-kard-em	-a	رودباری
a-xor-om	a-kerd-om	-a	کمشکی
a-xr-em	a-kerd-em	-a	کوخردی
a-xr-om	a-kerd-om	-a	کوهیچی
a-xor-em	a-kerd-em	-a	هرنگی

ب) حال التزامی:

برای این فعل، پیشوندهای زیادی وجود دارد؛ مثل *be, bo, vâ, o, â*.

جدول ۲۱: پیشوند مضارع التزامی

بخورم	بخوانم	بیندازم	بیندم	
vâ-ven-em	bo-khor-em	o-khon-em	be-kerd-em	بستکی
â-ben-em	bo-xr-em	o-xon-em	be-kerd-em	جناحی
vâ-ben-em	bo-xor-em	ho-xan-em	be-kard-em	دهتلی
vâ-ven-em	bo-xor-em	o-xan-em	Be-kerd-em	دهنگی
vâ-ben-em	bo-xor-em	ho-xan-em	be-kard-em	رودباری
o-bassen-om	Bo-xr-om	o-xon-om	Be-kerd-om	فاریابی

vâ-ven-om	bo-xor-om	o-xon-om	be-kerd-om	کمشکی
vâ-ven-em	bo-xr-em	o-xon-em	be-kerd-em	کوخردی
Vâ-ben-em	Bo-xr-om	o-xon-om	Be-kerd-om	کوهیچی
Vâ-ven-em	Bo-xor-em	o-xon-em	Be-kerd-em	هرنگی

۲-۳-۳- پیشوندهای قاموسی

در گویش‌های شهرستان بستک، پیشوند قاموسی Vâ و در بعضی دیگر va یا vo است مانند:

جدول ۲۲: پیشوندهای قاموسی

ایستادن	برداشتن	
Vay-sad-o	Vâ-soss-o	بستکی
Vay-sad-a	Vâ-soss-a	جناحی
Vay-sad-a	Vâ-sest-a	دهتلی
Vay-sed-a	Vâ-sed-a	دهنگی
Va-stad-a	Vâ-sest-a	رودباری
Vay-sad-a	Vâ-sess-a	فاریابی
vi-ssed-a	Vâ-ses-a	کمشکی
Vay-sed-a	Vâ-sess-a	کوخردی
Vay-sada	Vâ-sess-a	کوهیچی
Vay-sad-a	Vâ-ssos-o	هرنگی

در صورتی که فعل گذشته استمراری دارای پیشوند قاموسی باشد، ممکن است پیشوند صرفی مقدم بر آن باشد و گاهی نیز پیشوند قاموسی مقدم می‌شود:

جدول ۲۳: جایگاه پیشوندهای قاموسی و صرفی

بر می‌گردد	Vo pas a tâ	فرو می‌برد	A vâxoyt	بستکی
بر می‌گردد	Va pas a tâ	فرو می‌برد	a-va xoy	دهنگی
بر می‌گردد	vo pas a tâ	فرو می‌برد	a-vâ xet	هرنگی

الف) فعل مجهول:

فعلی که فاعلش معلوم باشد، فعل معلوم نامیده می‌شود؛ مانند سعید آمد و فعلی را که به مفعول نسبت داده می‌شود، فعل مجهول می‌گویند؛ مانند حمید در خیابان دیده شد.» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۹: ۶۸).

فعل مجهول در گویش‌های شهرستان بستک به چند روش ساخته می‌شود:

- حرف اضافه «a» (در معنای «به») + مصدر + مضارع ساده فعل «آمدن» + شناسه. بستکی (a+boledo+ami) boledo ami a بریده شد.

فاریابی (a+boleda+amon) boleda amon a بریده شد.

- حرف اضافه «a» + صفت مفعولی + فعل «رفت» a+xardo+raft

- ماده نقلی + فعل کمکی مجهول‌ساز «exe یا Loxo» (و در صورتی که شناسه به آن بچسبد بین شناسه و فعل کمکی «است» «est» قرار می‌گیرد:

جناحی (tak +oxo+st+em) takoxostem تکانده شدم.

کمشی (bar+exe) barexe ریخته شد.

دهتلی (ešk+axe) eškaxe شکسته شد.

- صفت یا صفت مفعولی + ماضی مطلق فعل کمکی مجهول‌ساز «boda» (شدن) + شناسه:

بستکی xârbodeš (xâr+bod+eš)

رودباری xasta bodi (xasta+bod+i)

جدول ۲۴: صرف فعل مجهول در زمان‌های مضارع اخباری، ماضی ساده و ماضی نقلی

خورده می‌شود	خورده شد	خورده شده‌است	
A- xardo-atat	a-xardo raft	a-xardo-rafto	بستکی
Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-beda	جناحی
Xarda-abù	Xarda-bi	Xarda-bode	دهتلی
Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-bode	دهنگی
Xarda-abù	Xarda-bi	Xarda- bode	رودباری
Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-bode	فاریابی
a-xarda-či	a-xarda-raft	Xarda-bode	کمشی
a-xarda-tat	A xarda-hond	a-xarda-honde	کوخردی
A xarda atâ	A xarda amonj	A xarda ande	کوهیچی
a-xardo-ačit	a-xardo-raft	a-xardo raftosonj	هرنگی

ب) فعل امر

«امر، فعلی است که با آن فرمانی می‌دهیم یا از کسی می‌خواهیم کاری انجام دهد یا حالتی را بپذیرد. برای فعل امر بیشتر دو ساخت به کار می‌رود؛ دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع (برو، بروید) که دوم شخص مفرد، ساختی است اختصاصی امر و دوم شخص جمع، مشترک میان امر و مضارع التزامی با ساده.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۶۳).

- فعل امر در گویش‌های شهرستان بستک از ترکیب پیشوند «b»، «o»، «â» «vâ» + بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود:

جدول ۲۵: فعل امر

بخورید	Boxori (bo+xor+i)	بخور	Boxa (bo+xo)
بخوابید	Oxati (o+xat+i)	بخواب	Oxat (o+xat)
ببندید	Beni (â+ben+i) â	ببند	Benj (â+benj)â

فعل‌هایی که با پیشوند «va» شروع می‌شوند، با همان پیشوند خودشان به امر تبدیل می‌شوند:

جدول ۲۶: فعل امر

بازکن	Vâgoš (vâ+goš)
ببند	Vaveŋ (va+veŋ)

در فعل امر نیز شناسه به ابتدای فعل می‌چسبید:

جدول ۲۷: فعل امر

بیندازش	Ošbeke (oš-beke)
بیندازشان	Oŋbeke (šoŋ-beke)š

ج) فعل نهی

فعل نهی هم مانند فعل امر است؛ با این تفاوت که حرف نهی (ma) به ابتدای بن ماضی یا بن مضارع اضافه می‌شود:

جدول ۲۸: فعل نهی

نخور	Maxo
برندار	Mavasi

لازم					متعدی
فعل امر		فعل نهی		فعل امر	
فعل نهی		فعل امر		فعل نهی	
بیا		نیا		بخور	
نخور		نخور		نخور	
بستکی	bedâ	may	boxo	maxo	
جناچی	bedâ	mað	boxo	maxo	
دهتلی	bedâ	mahû	boxo	maxo	
دهنگی	beðâ	may	boxo	maxo	
رودباری	bedo	mahû	boxo	maxo	
فارابی	bedö	may	boxo	maxo	
کمشکی	bedâ	may	boxo	maxo	
کوخردی	bedâ	mahay	boxo	maxo	
کوهیچی	bedâ	may	bxo	maxo	
هرنگی	bedö	may	boxo	maxo	

۲-۴- مصدر

در گویش‌های شهرستان بستک همانند زبان فارسی معیار، مصدرها در سه دسته ساده، پیشوندی و مرکب وجود دارد و از بن فعل و نشانه مصدری ساخته می‌شود. نشانه مصدر در این گویش‌ها «a-o--æ و o» است که بعد از بن فعل می‌آید. «مصدر و صفت مفعولی در گویش‌های بستکی یکی است و تنها از سیاق جمله می‌توان به آن پی برد.» (مجبی، ۱۳۸۶: ۷۳).

جدول ۲۹: ساخت مصدر

ترسیدن	رساندن	
بستکی	Torsed-o(torskord-o)	Torsenad-o
جناحی	Tersed-æ	Tersenad-æ
دهتلی	Tersed-a	Tersenad-a
دهنگی	Terseð-a	Tersenað-a
رودباری	Tersed-a	Tersenad-a
فاریابی	Tersed-a	Tersed-a
کمشکی	Tersed-a	Tersenad-a
کوخردی	Tersed-a	Tersenad-a
کوهیچی	Tersed-a	Tersenad-a
هرنگی	Tersed-ɔ	Torsenad-ɔ

جدول ۳۰: انواع مصدر

انواع مصدر				
مصدر ساده	Leta/loto/letæ	ریختن	Ded/a/ o/ æ	دیدن
مصدر مرکب	Kare šal kerd-æ/a	کار بنایی انجام دادن	Radbod o/a/ɔ/æ	عبور کردن
مصدر پیشوندی	Vāsoss-o	برداشتن	Vakošt/o-a-æ-ɔ	خاموش کردن

نتیجه گیری

با بررسی گویش‌های شهرستان بستک در مباحث بن فعل، شناسه و وندهای فعلی مشخص شد که شناسه‌های این افعال با توجه به لازم یا متعدی بودن به دو دسته پیشین و پسین تقسیم می‌شود. شناسه‌های پیشین با کارکرد ضمائر فاعلی، ویژگی ارگاتیو دارند. همچنین در مباحث پیشوندهای قاموسی و صرفی فعلی، تنوع وندها و کهن بودن برخی از آنها دیده می‌شود.

ریشه فعل‌ها در تمام نقاط شهرستان تقریباً یکسان است و بیشترین تفاوت در صرف فعل‌ها در قسمت شناسه و حرکات شناسه‌ها دیده می‌شود. پیشوند فعل مضارع مستمر نیز در گویش‌های بررسی شده، یکسان نیست و شناسه‌های آن به شکل متفاوتی صرف می‌شود. واو معدوله در افعالی مانند خوردن و خواندن در گویش کوخرد و در گویش هرنگ با کاربرد کمتر، به تلفظ درمی‌آید و در دیگر گویش‌های بررسی شده، تلفظ نمی‌شود.

منابع و مأخذ

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۷۵)، *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، چاپ دوم، تهران: معین.
- ارزن‌کار، محمد صالح (۱۳۹۵)، *آواشناسی و دستور زبان گویش لمزانی*، چاپ اول، شیراز: ایلاف.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۱)، *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، چاپ دوم، تهران: جهان معاصر
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی ۲*، تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- باقری، مهری (۱۳۹۷)، *مقدمات زبان‌شناسی*، چاپ بیست و دوم، تهران: قطره.
- بالود، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ عامه در منطقه بستک*، چاپ اول، تهران: همسایه.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۳)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۹۹)، *آواشناسی (فونتیک)*، چاپ شانزدهم، تهران: آگه.
- خانلری، پرویز (۱۳۹۶)، *دستور زبان فارسی*، چاپ بیست و ششم، تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۳)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، به کوشش عفت مستشارنیا، چاپ سوم، تهران: توس.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، ج ۱، چاپ اول، تهران: سمت.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۸)، *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، دفتر پنجم، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- عباسی، مصطفی قلی (۱۳۷۲)، *بستک و جهانگیریه*، چاپ اول، تهران: جهان معاصر.
- فرامرزی، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ فرامرزان*، چاپ اول، تهران: خواجه.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۹)، *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محبی، ناصر (۱۳۸۶)، *بررسی گویش، اشعار و داستان‌های شفاهی بستک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمودی، محمد (۱۳۹۴)، *مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات در گویش گوده‌ای*، چاپ اول، مشهد: گل آفتاب.

موحد، جمیل (۱۳۴۹)، بستک و خلیج فارس، چاپ اول، تهران: تهران مصور.
نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۰)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ هفتم، تهران: نیلوفر.
نیرومند، سامیه (۱۳۹۰)، پژوهشی در دستور زبان گویش بستکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.
وثوقی، محمدباقر (۱۳۶۹)، لار شهری به رنگ خاک، چاپ اول، تهران: کلمه.